

بررسی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان در ادبیات مقاومت (با تکیه بر مکالمات رمان ۱۵)

دکتر یدالله بهمنی مطلق

دانشیار - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

فهیمة فرقانی اله آبادی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

رایین لیکاف (Lekoff) (۱۹۷۵) اولین کسی بود که مقوله‌ای به نام زبان زنان را مطرح کرد و پس از وی پژوهشگران زیادی به تحقیق پیرامون اختلافات زبان زنان و مردان پرداختند. لذا پژوهش حاضر با این هدف انجام شد، که تفاوت‌های زبانی زنان و مردان را در حوزه ادبیات مقاومت با تکیه بر مکالمات رمان ۱۵ بررسی کند. بدین منظور ابتدا چند عامل از حوزه واژگان و چند عامل هم از حوزه نحو به عنوان مبنای پژوهش تعیین گردید. نتایج حاصل از استخراج هریک از متغیرها از رمان ۱۵ که به تفکیک جنسیت صورت گرفت، نشان داد نویسنده این رمان تا حدودی زبانی منطبق با نظریه زبان‌شناسان برای شخصیت‌های زن و مرد رمانش به کار برده است. در برخی موارد نیز زبان شخصیت‌ها با معیارهای زبان‌شناسی اجتماعی انطباق نداشت. نکته قابل توجه اینکه زبان شخصیت‌های رمان ۱۵ کاملاً از شرایط خاص ادبیات مقاومت تأثیر پذیرفته است. برای مثال مقوله جنگ در این رمان زبان شخصیت‌های زن و به ویژه زهرا را، به واسطه شرایط بحرانی و پرمسئولیتی که در آن قرار داشته، سرشار از جملات آمرانه نموده است و نیز باعث شده تا از جملات عاطفی و عذرخواهی‌ها کاسته شود.

واژگان کلیدی: جنسیت، زبان، زبان‌شناسی اجتماعی، ادبیات مقاومت، ۱۵

www.anjomanfarsi.ir

مقدمه

موضوع زبان و جنسیت یکی از موضوع‌های مهمی است که در زبان‌شناسی اجتماعی بررسی و بدان توجه می‌شود. عنوان پژوهش حاضر قبل از هر چیز خود برانگیزاننده این سؤال است که آیا اساساً مقوله‌ای به نام زبان زنان وجود دارد؟ و آیا زنان و مردان در تعاملات اجتماعی خود دو زبان جداگانه را به کار می‌گیرند؟ اکثر محققان رشته‌های زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان و منتقدان فمینیست بر این باورند که بین زبان زنان و مردان تفاوت‌های آوایی، واژگانی و نحوی وجود دارد. (رضوانیان و ملک، ۱۳۹۲: ۴۵) در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نبود. اما کم‌کم پس از انقلاب صنعتی و جنگ جهانی دوم از دهه ۶۰ به بعد مورد توجه قرار گرفت و برخی از محققان به وجود تفاوت میان کلام زنان و مردان پی بردند. (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۰۱) با این همه گری (۱۹۹۸) بیان می‌کند که حتی در دوره ی تودور در انگلستان هم بحث و گفتگو و اظهار نظر در خصوص زبان مناسب برای زنان وجود داشته است. وی به عنوان نمونه به اثری مربوط به سال ۱۵۲۳ میلادی اشاره می‌کند که تحت عنوان «در تعلیم زن

مسیحی» در باره زبان زنان مطالبی را بیان می‌کند. (نعمتی، ۱۳۸۲: ۷۴) همراه با جهانی شدن فمینیسم، در ایران نیز مقارن با انقلاب مشروطه و تأسیس مجلس و نهادهای مختلف، مسائل مربوط به زنان مرکز توجه قرار گرفت و جنبش زنان ایران با هدف دگرگونی موقعیت زنان آغاز شد. این تحولات بر اندیشه زنان ایران تأثیر گذاشت و موجب ظهور شاعران و نویسندگانی شد که در پی شناخت هویت زنانه خویش برآمدند. (رضوانیان و ملک، ۱۳۹۲: ۴۶) ساناساریان^۱ معتقد است جنبش زنان از زنان طبقه متوسط و رو به بالا تشکیل شده بود که در وهله اول تمرکز آنان بر ضرورت تحصیل زنان بود؛ سپس آنان بر تغییر قوانین ازدواج و طلاق و پرداختن به بهداشت و پیشگیری از بیماری مادران و کودکان تأکید داشتند. (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۷۷-۸۰) مدرسی معتقد است در هر جامعه زبانی، زنان و مردان اصطلاحات خاص و حتی گرایش‌های ویژه خود را در کاربرد الگوها و ویژگی‌های دستوری و آوایی دارند. به علاوه، رفتارهای زبانی معمولاً با رفتارهای غیر زبانی (مانند حرکات دست، سر، صورت و غیره) همراهند که دارای ارزش ارتباطی معینی‌اند. همبستگی این مجموعه رفتاری (زبانی و غیر زبانی) با جنسیت نیز برجسته می‌شود. این تفاوت‌ها در برخی از اجتماعات چندان قابل ملاحظه نیستند و ممکن است تنها در اصطلاحات یا ویژگی‌های تلفظی معینی خلاصه شوند؛ اما در جوامع دیگر تفاوت‌ها قابل توجه و اساسی‌اند. (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۱) پژوهش حاضر در نظر دارد تا تفاوت‌های زبانی زنان و مردان را در حوزه ادبیات مقاومت با محوریت یکی از رمان‌های شاخص دفاع مقدس یعنی رمان *د* بررسی کند و به میزان انطباق این تفاوت‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های زبان شناسان و نیز میزان تأثیر پذیری این تفاوت‌ها از شرایط خاص ادبیات مقاومت بپردازد. در راستای دستیابی به این هدف ابتدا مختصری در باب ادبیات مقاومت و نیز تئوری‌های مطرح در رابطه با زبان و جنسیت سخن گفته و در ادامه به تحلیل نتایج به دست آمده در حوزه تفاوت‌های زبانی زنان و مردان پرداخته خواهد شد.

درآمدی بر ادبیات مقاومت (ادبیات دفاع مقدس)

تاریخ سیاسی و اجتماعی ملت‌ها بر حسب ریزش و رویش حکومت‌ها، شروع، تداوم و اتمام جنگ‌ها و به بار نشستن انقلاب‌ها شکل می‌گیرد. چنان که مورخان، تاریخ ملت‌ها را گاه بر حسب پس و پیش جنگ‌ها به تحریر درمی‌آورند. حیات آدمی بر این کره خاکی همواره با جنگ و ستیز و دفاع همراه بوده است. تمدن‌ها از خاکستر جنگ‌ها روییده‌اند و به بار نشسته‌اند و در نهایت افول کرده‌اند. قهرمانان ملت‌ها، ثمره شجاعت مردمان عادی در میدان جنگ و کارزار بوده‌اند. آثار هنری و ادبی درخشان ملت‌ها نتیجه‌ی دفاع یا فتح و یورش ملتی بر ملت دیگر بوده است. البته نباید فراموش کرد که جنگ‌ها گاه سبب افول یک تمدن، ریزش یک حکومت، به خواری کشیدن یک نژاد و بی هویت کردن یک ملت نیز بوده‌اند. (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۹)

جنگ از موقعیت‌های ویژه انسانی است؛ به این معنا که در موقعیت جنگ رفتارها، کنش‌ها، اعتقادات، باورها و ارزش‌ها به همان طریقی که در یک موقعیت عادی شکل می‌گیرند و به منصفه ظهور می‌رسند، به مرحله عمل در نمی‌آیند. جنگ میدان آزمون گوهر وجودی آدم‌هاست. (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۱) حوادث بزرگ هر دوران، ادبیات آن دوران را رقم می‌زند؛ و به فراخور حادثه، نامی بر آن ادبیات می‌گذارند. پس از انقلاب اسلامی و تحولات پیوسته با آن، از جمله جنگ هشت ساله عراق علیه ایران و دفاع همه جانبه ملت ایران و تبعات فراگیر آن، گستردگی موضوعات مطرح شده از سویی و تنوع نگرش اندیشمندان، محققان و ادیبان از سوی دیگر منجر به تکثر و تعدد نام و عنوان بر سر دفتر ادبیات آن ایام شده است. (امیری خراسانی و هدایتی، ۱۳۹۳: ۲۳) در نتیجه اصطلاحاتی چون ادبیات جنگ، ادبیات پایداری، ادبیات

¹- sanasarian

مقاومت و ادبیات دفاع مقدس در این زمینه به کار گرفته شد. در تبیینی مختصر می‌توان گفت در حالی که ادبیات مقاومت و پایداری تا حدود زیاد مترادف با یکدیگر هستند، ادبیات دفاع مقدس شاخه‌ای از این دو است که تنها آثاری را شامل می‌شود که به جنگ هشت ساله ی کشور عراق علیه ایران و دفاع همه جانبه ملت ایران نظر داشته‌اند. کتاب «دا» نوشته ی خانم سیده اعظم حسینی که به بیان خاطرات سیده زهرا حسینی و حضور بیست و دو روزه وی در خرمشهر می‌پردازد یک از تأثیرگذارترین و پرفروش‌ترین آثار ادبیات دفاع مقدس است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

زبان و جنسیت

غالباً چنین به نظر می‌رسد که ما زبان را همان گونه که می‌خواهیم به کار می‌گیریم. مع‌هذا نباید فراموش کنیم ما محصول شیوه سخن‌گویی خویش هستیم. این بدان معنا است که زبان صرفاً واقعیت اجتماعی را منعکس نمی‌کند، بل جهان‌بینی و خودیابی ما را نیز رقم می‌زند. زبان، مکون و شاخص واقعیت اجتماعی است و از این رو موجد و محافظ روابط اجتماعی و خصوصاً مناسبات اقتدارآمیز، ارزش‌ها و هویت آن به شمار می‌آید و در عین حال چون به گفته کوتس (۱۹۹۸) «گفتمان خنثی وجود ندارد و ما در سخن‌گویی به انتخاب نظام‌های مختلف معانی و شبکه‌های متفاوت ارزشی می‌پردازیم» زبان قدرت زدگی را هم به نفع تغییر اجتماعی پشت سر می‌گذارد. در زمینه تأثیر زبان بر جهان بینی کافی است به یاد آوریم هر وقت کلمه قاضی را می‌شنویم، آن را با جنس مذکر تداعی می‌کنیم؛ ولی جنس مؤنث را از لفظ پرستار جدا نمی‌دانیم. (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۵)

توجه به جنسیت به عنوان یکی از مشخصه‌های قشربندی مدّت زیادی نیست که مطرح شده است. در بررسی‌های انجام شده در خصوص طبقات اجتماعی و قشربندی‌ها نیز تا مدّت‌ها به این مسئله توجهی نمی‌شد. به عبارت دیگر تا مدّت‌ها کلیه بررسی‌های صورت گرفته در این خصوص آن‌چنان بود که گویی زن هیچ نقشی در مسئله ندارد یا آنکه در تحلیل تقسیمات قدرت، ثروت و اعتبار اجتماعی، زنان اهمیتی نداشته و در خور توجه نیستند. اما امروزه حضور جنسیت به عنوان یکی از عناصر در قشربندی حقیقتی مسلم به شمار می‌رود. (پاک نهاد، ۱۳۸۱: ۱۸) در تحلیل نسبت جنس و جنسیت با زبان ابتدا زبان زنان و مردان با علائم زیست‌شناختی مرتبط در نظر گرفته می‌شد و سپس رفته رفته زبان به عنوان کارگزار نمادین نقش‌های جنسیتی به حساب آمد. با گذشت زمان زبان‌شناسان هر چه بیشتر در پی تحلیل تفاوت‌های زبانی زنان و مردان برآمدند؛ مطالعات جامعه‌شناسی نیز به مدد زبان‌شناسان آمد و نشان داد که زنان بیشتر از مردان نسبت به مقام و منزلت خودآگاه هستند. پژوهش‌های زبانی نیز بیانگر این بود که زنان نسبت به متغیرهای زبانی وابسته به طبقه اجتماعی، حساسیت بیشتری دارند. به عبارتی، زنان از ساختارهای کهنه تر، خالص تر و مؤدبانه تر زبان استفاده می‌کنند و در تلفظ کلمات، بیشتر از مردان از واج‌های معیار استفاده می‌کنند و از ناسزاهای ضعیف تری بهره می‌برند. زنان به قیدهایی که عواطف شدیدتری را بیان می‌کند علاقه بیشتری دارند و سریع تر از مردان صحبت می‌کنند. (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۲۵) نکته قابل توجه دیگر اینکه مطالعه نسبت زبان و جنسیت در مناسبات دوسویه نا همجنس خواهانه را می‌توان از خانواده آغاز کرد. زبان جنسیتی ابتدا به عنوان نوعی ویژگی شخصیتی در نهاد خانواده باز تولید می‌شود. سپس این زبان به محاورات غیر صوری مثلاً روابط چهره به چهره در گروه‌های کوچک و فراتر از خانواده نظیر همسایگی کشیده می‌شود. در ادامه همین زبان در غالب مدرسه و اشتغال و دادگاه و حکومت و بازار چنان سازمان می‌یابد که مرد و زن را در برابر هم قرار دهد. اهمیت الگوهای زبانی در این نهادها از ساخت مستحکمی برخوردارند؛ زیرا با نابودی نهادهای مزبور، زبان جنسیتی هم چنان باقی می‌ماند و به حیات خود ادامه می‌دهد.

تئوری‌های مطرح در رابطه با زبان و جنسیت

در حوزه فرهنگ درباره تفاوت‌های زبانی میان زنان و مردان، دو تئوری عمده وجود دارد که عبارتند از «تئوری تفاوت» و «تئوری برتری». (نعمتی، ۱۳۸۲: ۷۷). از دیگر دیدگاه‌ها می‌توان به «چارچوب نقصان» و «دیدگاه فمینیست‌ها» در این رابطه اشاره کرد:

الف: تئوری برتری (تسلط)

اولین دیدگاهی که از بسیاری لحاظ مورد توجه اولین زبان‌شناسان طرفدار برابری جنسیتی قرار گرفت دیدگاه تسلط بود. از این دیدگاه، زنان و مردان هر دو در یک فرهنگ رشد می‌یابند و در نتیجه دارای جامعه زبانی یکسان هستند؛ اما جامعه‌ای که در آن قدرت و موقعیت نامساوی تقسیم شده است و تعداد عناصر زبانی که به نفع مردان باشد بیشتر است. (نعمتی، ۱۳۸۲: ۷۸) شالوده نظری این رهیافت بر نابرابری‌های اجتماعی و تأثیر پدیده اجتماعی شدگی با توجه به جایگاه برتر و قوی تر مردان در اجتماع است. (کازمی، ۱۳۸۹: ۱۰۱) از نظر لیکاف تفاوت‌های زبانی زنان و مردان یکی از نتایج نابرابری‌های اجتماعی است و ویژگی‌های زبانی آن‌ها در واقع بازتاب تفاوت‌هایی است که از نظر نقش و موقعیت اجتماعی میان اعضای این دو گروه وجود دارد. حتی در جوامع پیشرفته امروزی نیز زنان به طور نسبی پایگاه اجتماعی کم‌ثبات‌تر و نقش اجتماعی محدودتری دارند و این بی‌ثباتی و تزلزل در رفتار زبانی بازتابی قابل ملاحظه دارد. (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۸) لیکاف اذعان داشت زنان به این خاطر که فاقد اقتدارند و زبانی محتاطانه دارند با «زبانی ضعیف» صحبت می‌کنند. علت اشاره به این سبک زنانه (که بعدها گونه زنانه نامیده شد) وجود نمونه‌هایی از کاربرد ابزارهای به اصطلاح تضعیف‌کننده مانند ناسزاهای ملایم تر، آهنگ مردد، بیان مطالب به صورت سؤالی یا همراه با سؤالات ضمیمه‌ای (در زبان انگلیسی) در کلام زنان بود.

ب: تئوری تفاوت

دیدگاه مهم دیگر در این ارتباط دیدگاه تفاوت است که حداقل بخشی از آن در پاسخی انتقادی به دیدگاه تسلط مطرح شد. نظریه پردازان این دیدگاه می‌کوشند خود را از مفهوم تسلط دور کنند. (پاک نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۳۶) در این تئوری، پسران و دختران، گویی که در دو فرهنگ متفاوت بزرگ می‌شوند. بنابراین، براساس این تئوری، صحبت درباره زنان و مردان و تفاوت‌های زبانی موجود بین آن‌ها را باید یک بحث بینا فرهنگی به حساب آورد. در این تئوری که به تئوری دو فرهنگی نیز معروف است، مردان و زنان دارای فرهنگ‌هایی متفاوت با دنیای زبانی متفاوتی ترسیم می‌شوند. (نعمتی، ۱۳۸۲: ۷۷)

ج: چارچوب نقصان

چارچوب نقصان که رویکردی سنتی است، گفتار زنانه را در مقایسه با گفتار مردانه دارای نقصان می‌بیند. به این نقصان (با سرمنشأ طبیعی یا پرورشی) بارها در فرهنگ و باور عامه اشاره شده است. برای مثال کلیشه‌های زیادی مبنی بر پرحرف بودن زنان و این که سخنی که می‌گویند فاقد پیچیدگی و اهمیت لازم است و تمایل زنان به سخن چینی وجود دارد. کتاب‌های آداب معاشرت از قرون وسطی تا دوره‌های معاصر به زنان آموزش داده‌اند که چطور حرف بزنند، چه بگویند و چه نگویند و چقدر بگویند. در آن کتاب‌ها زنان را پرهیز داده‌اند که سخن چینی نکنند و از بیان نظر شخصی خود صرف نظر کنند و آهنگ صدایشان را همواره پایین و آرام نگه دارند و لحنی موافق داشته باشند.

د: دیدگاه فمینیست‌ها

یکی از رویکردهای نقد ادبی نقد فمینیستی است. اساساً دو نوع گرایش عمده در شیوه نقد فمینیستی وجود دارد: گرایش اول که «جلوه‌های زن» نامیده می‌شود، عمدتاً به این موضوع می‌پردازد که زن در آثاری که مردان نوشته‌اند، به چه

صورت و با کدام نقش‌های غالبی به خواننده ارائه شده است. در گرایش دوم که «نقد زنان» نامیده می‌شود، به زن در مقام نویسنده توجه می‌شود. در این گرایش، به ساختار و مضامین آثار ادبی نویسندگان زن، توجه فراوانی دارند تا از این طریق به شناخت پوشش روانی فعالیت‌های زنانه راه ببرند. (پاینده، ۱۳۷۶: ۱۲۲) از چهره‌های شاخص این مکتب می‌توان به ویرجینیا وولف، سیمون دבורا و بتی فریدان اشاره کرد. فمنیست‌ها معتقدند جنسیت دست پروردهٔ اجتماع است. نقش‌هایی که مرد و زن در جامعه ایفا می‌کنند محصول جبری طبیعت آن‌ها نیست. در این که جنس مبنای زیست شناختی دارد یعنی در تفاوت پیکر دختر و پسر، تردیدی وجود ندارد، اما مهم شیوهٔ تعبیر این تفاوت‌ها است و شیوهٔ تربیت پسران و دختران که چه رفتارهایی را متناسب با جنسیت خود بدانند و چه رفتاری را با ارزش تلقی کنند. (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۷)

محورهای مورد بررسی در رابطهٔ زبان و جنسیت

تفاوت‌های موجود در زمینهٔ زبان زنان و مردان در چهار محور آوایی، واژگان، نحو و معنا قابل بررسی هستند که ما در این پژوهش تنها دو محور واژگان و نحو را در حلدّ توان بررسی خواهیم کرد.

محور واژگان

واژگان یک زبان را می‌توان مهم‌ترین محمل برای ظهور ویژگی‌های آن زبان دانست. در واقع تفاوت‌های موجود بین زبان‌های مختلف تا در صد زیادی از زوی واژگانی که در هر زبان به کار می‌رود قابل تشخیص است. در نتیجه اگر جنسیت را عاملی مؤثر بر زبان می‌دانیم و معتقدیم زبان زنان و مردان با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند، طبیعی است که تعداد قابل توجهی از این تفاوت‌ها را در واژه‌ها جستجو کنیم. از جمله ویژگی‌های واژگانی که زبان‌شناسان معتقدند زنان و مردان آن‌ها را به میزان و نحوهٔ متفاوتی به کار می‌گیرند، عبارتند از:

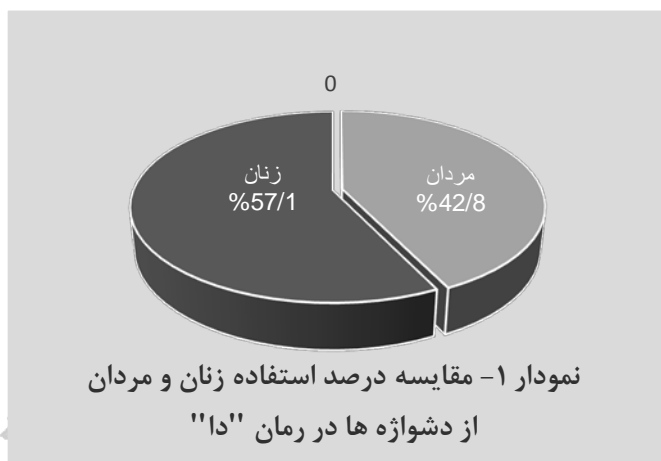
۱- **دشوآژه‌ها:** یکی از جالب‌ترین مصادیق تأثیر فرهنگ و ارزش‌های جامعه بر زبان، پدیده‌ای موسوم به دشوآژه می‌باشد. دشوآژه‌ها صورت‌های زبانی هستند که ذکر آن‌ها از لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ناشایست تلقی می‌شود، اما در گفتار قشرهایی از جامعه به وفور به کار می‌رود. (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۱۲) به طور کلی، زبان‌شناسان بر این باورند که مردها میل باطنی بیشتری برای استفاده از دشوآژه‌ها دارند و این میل از سنین پایین‌تر در آن‌ها به وجود می‌آید. این شرایط اجتماعی به مردان اجازه می‌دهد که از کلمات و عبارات تابو (کلماتی که در عرف زبانی آن‌ها را بد می‌دانیم) استفاده کنند. هولمز^۲ (۱۹۹۳) و آدامز^۳ (۱۹۸۹) اولین دلیل مؤدب‌تر بودن گفتار زنان را موقعیت پایین آن‌ها در جامعه می‌دانند. همچنین هولمز دومین دلیل را در این مسئله می‌داند که جامعه از زنان در مقایسه با مردان انتظارات بیشتری دارد و زنان الگوی رفتاری صحیح در جامعه هستند. (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۵۰) دشوآژه‌ها را می‌توان به دو دسته ی رکیک و غیر رکیک تقسیم بندی کرد.

دشوآژه‌ها در رمان «دا»: فضای این رمان در میان عده‌ای از مردم نسبتاً عادی و نه چندان تحصیل کرده شکل گرفته است، با این وجود هیچ دشوآژه غیر رکیکی در کلام شخصیت‌های زن و مرد این رمان وجود ندارد که این موضوع قطعاً با اعتقادات و فرهنگ اسلامی مردمی که داستان در میان آن‌ها شکل گرفته مرتبط است. نمودار زیر درصد استفادهٔ زنان و

² - Holmes

³ - Adames

مردان از دشواژه‌های غیر رکیک در رمان *د* را نشان می‌دهد. هرچند اختلاف درصد چندان زیاد نیست اما تا همین حد استفاده بیشتر زنان از دشواژه‌ها نیز با نظر محققین انطباق ندارد. چرا که طبق تحقیقات انجام شده زنان به منظور حفظ جایگاه اجتماعی خود و به واسطه آنچه که از کودکی آموخته‌اند، کمتر از این گونه واژه‌ها استفاده می‌کنند.



- دا: این حسن البکر بی عرضه است (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۱)

- دا: این صدام حرامزاده... (همان: ۲۱)

- آقای ابراهیمی: یه خل و چله. از صبح تا حالا... (همان: ۱۶۶)

- دا: گیس بریده، سرت داغه... (همان: ۱۹۹)

- زهرا شره: بی شرف‌ها، نامردها، پست فطرت‌ها و ایستید (همان: ۳۰۲)

- عبدالرضا: این پسره، کله خری می‌کنه (همان: ۳۹۲)

- منافق: خفه شو. حرف دهنت رو بفهم. (همان: ۵۷۲)

۲- سوگندواژه‌ها: غالباً در جوامعی که اعتماد متقابل بین افراد کم‌رنگ است و بعضاً دروغ رواج دارد، وقتی گوینده با تردید یا انکار مخاطب رو به رو می‌شود ناچار می‌شود و یا لازم می‌داند برای اثبات صداقت خود سوگند یاد کند. (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۲۵۱) پژوهش‌های انجام شده در زبان انگلیسی (گوم - ۱۹۸۱) در مورد تفاوت‌های مردان و زنان در خصوص به کارگیری سوگندواژه‌ها، بیانگر این است که مردان بیش از زنان قسم می‌خورند. (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۲۱) سوگندواژه‌ها می‌تواند هم شامل سوگند خوردن به مقدسات دینی (تو رو خدا، به حضرت عباس و...) و هم شامل سوگند خوردن به چیزهای با ارزش و مهم زندگی فرد (تو رو جون بچه‌هات، به جون خودم و...) باشد. (مروی، ۱۳۹۱: ۳۸)

سوگندواژه‌ها در *د*: از ۴۶ مورد سوگندواژه به کار رفته در رمان *د* ۴۵ مورد سوگند به مقدسات دینی و ۱ مورد سوگند به امور ارزشی است. نمودار زیر بیان کننده درصد استفاده شخصیت‌های زن و مرد رمان از سوگندواژه‌ها است. از آنجا که محققان زبان‌شناسی اجتماعی معتقدند مردان به منظور تثبیت سخنشان بیشتر از سوگندواژه‌ها استفاده می‌کنند، نویسنده رمان *د* این ویژگی را به درستی به کار نگرفته است. همچنین استفاده مکرر از یک نوع سوگندواژه (تو رو خدا) نشانه محدودیت لغات نویسنده است که البته احتمالاً به واسطه واقعی بودن داستان اجتناب ناپذیر بوده است.



- زهرا: دا، تو رو خدا... (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۲)
- غساله: وَاَلَا خِیْلِي خُوب طَاقَت مِی آرید (همان: ۱۱۱)
- آقای ابراهیمی: تو رو خدا بیاید ببینید این خواهر چی میگه (همان: ۱۶۴)
- زهرا: دا، تو را به جان بابا قسمت میدم آروم بگیر. (همان: ۲۱۰)
- زهرا: خدا شاهده اگه بیرون نری، شلیک می‌کنم (همان: ۳۴۲)

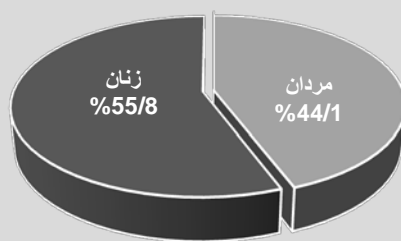
۳- **تعدیل کننده‌ها (قیود تردید):** تعدیل کننده‌ها یا همان تردیدنماها کلماتی هستند که عدم اطمینان گوینده را در خصوص موضوع مورد بحث بیان می‌کنند. برای مثال عباراتی مانند «فکر می‌کنم، به نظرم، گمان می‌کنم، شاید، ممکن است، احتمالاً و...» نمونه‌هایی از تعدیل کننده‌ها محسوب می‌شوند. لیکاف معتقد است که زنان بیشتر از مردان از تعدیل کننده‌ها استفاده می‌کنند و به همین دلیل برخی گفتار زنان را به دلیل به کارگیری تعدیل کننده‌ها، گفتار تردید توصیف کرده‌اند. (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۰۸)

تعدیل کننده‌ها در رمان دا آمار به دست آمده از دا استفاده بیشتر زنان از تعدیل کننده‌ها را نشان می‌دهد و با گفته‌های پژوهش گرانی چون لیکاف منطبق است. چرا که زبان‌شناسان بر این باورند که زنان به دلیل اعتماد به نفس پایین و عدم قطعیت و گاهی به منظور همراه کردن مخاطب با خود از تعدیل کننده‌ها (تردیدنماهای) بیشتری استفاده می‌کنند. نمودار زیر درصد استفاده زنان و مردان از تعدیل کننده‌ها در رمان دا را نشان می‌دهد.



- علی: ممکن است عراقی‌ها به طرفتان... (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۵)
 - زینب خانم: ... شاید اینا تا نصف شب بخوان بمونن ... (همان: ۹۷)
 - گنوا: بینم تو دختر کی هستی؟ (همان: ۱۶۷)
 - رزمنده: احتمالاً اون جلوها مجروح داشته باشیم... (همان: ۳۳۰)
 - عبدالله: این طور که معلومه توپ از حیاط توی کلاس اومده و... (همان: ۳۷۴)
 - زهرا: مادر من دکتر نیستم؛ ولی ظاهراً پسر تون تموم کرده (همان: ۳۰۶)
 - زهرا: فکر می‌کنم موش‌ها حمله کرده باشند (همان: ۷۰۱)
- ۴- **تشدیدکننده‌ها (قیود تأکید):** تشدیدکننده‌ها عباراتی مانند فقط، حتماً، واقعاً، خیلی، حقیقتاً، صد در صد و... هستند که شدت و تأکید را به گفتار می‌افزایند. (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۲۶۰) لیکاف بر این باور است که زنان برای تأکید بر گفتار خود از آهنگ قوی‌تر جملات و تشدیدکننده‌هایی مانند *such, very, so* استفاده می‌کنند. آن‌ها در توصیف هر چیزی با شدت بیشتری عمل می‌کنند، اما مردان معمولاً به یک توصیف ساده و خنثی اکتفا می‌کنند. پویبتون (۱۹۸۹) نیز تأیید می‌کند که زنان در گفتار خود از تشدیدکننده‌های بیشتری نسبت به مردان استفاده می‌کنند. (محمودی‌بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۵۱)
- تشدیدکننده‌ها در د:** از تشدیدکننده‌های فراوانی استفاده شده است که این را می‌توان با زن نگاشته بودن این رمان مرتبط دانست. همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، نویسنده این رمان تشدیدکننده‌ها را به لحاظ جنسیتی به درستی میان شخصیت‌های زن و مرد داستان خود توزیع کرده است.

ادبیات فارسی



نمودار ۴- مقایسه درصد استفاده زنان و مردان از تشدیدکننده در رمان "دا"

- بابا: مرا همیشه با خودش... (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۹)
- عمو: من هیچ ارتباطی... ندارم (همان: ۲۲)
- آقای سالاروند: شط‌آنقدر زیر آتش است که... (همان: ۱۱۷)
- صباح: ... اون موقع دیگه اصلاً طرفت هم نیام (همان: ۱۵۲)
- آقای نجار: چند وقتی مطب بسته بوده، حتماً پر از گرد و خاکه (همان: ۳۶۵)
- جوان کنار راننده: خواهر فقط شما می‌تونن بری اتاق جنگ ... (همان: ۴۳۳)

- زهرا: من فقط ... حس می‌کنم. اصلاً نمی‌دونم زانو هام یا انگشت‌های پایم کجا هستند (همان: ۵۲۰)

محور نحو

به عقیده زبان‌شناسان تفاوت‌های زبانی زنان و مردان نه تنها در نوع و میزان استفاده از واژگان مختلف، بلکه در محور نحو و نوع به کارگیری جملات نیز قابل مشاهده است. در ادامه به بررسی برخی از این تفاوت‌ها در *د* خواهیم پرداخت:

۱- **جملات آمرانه:** زبان‌شناسان زبان مردانه را قدرتمندانه و آمرانه و زبان زنانه را حمایت طلبانه و مشارکت‌گرا توصیف می‌کنند. آن‌ها معتقدند مردان در گروه‌هایی قرار دارند که به صورت سلسله مراتبی سازمان یافته است و رئیس یا رهبر گروه برای اثبات قدرت و کنترلش بر گروه، از فرم‌های قوی دستوری استفاده می‌کند. علاوه بر این مردان سلطه‌طلب و در مکالمات در پی غلبه بر هم صحبت خود و نشان دادن برتری‌شان هستند؛ خود این امر باعث می‌شود آنان بیشتر از صورت‌های آمرانه بهره‌گیرند. اما سازمان گروه‌های زنانه غیر سلسله‌مراتبی و مبتنی بر مشارکت و تشریک جمعی است، همچنین زنان در مکالمات در پی برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند. این عوامل باعث شده است آنان به جای استفاده از دستورات مستقیم، بیشتر منظورشان را پیشنهاد دهند یا آن را به طور غیر مستقیم مطرح کنند. (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۳۹۹) جملات امری را می‌توان به دو دسته امر تشدید که با تحکم همراه است و امر تعدیلی که بیشتر جنبه پیشنهاد و خواهش دارد تقسیم بندی نمود.

جملات آمرانه در *د*: از مجموع ۲۱۷ مورد جمله امری به کار رفته در این *د* ۲۰۰ مورد امر تشدید است که این موضوع با شرایط بحرانی که داستان *د* در فضای آن شکل گرفته بی ارتباط نیست. با وجود این که زبان‌شناسان معتقدند زنان بسیار کمتر از مردان از جملات دستوری استفاده می‌کنند، این موضوع در نگارش *د* مورد توجه قرار نگرفته است؛ البته بیش از نیمی از جملات آمرانه را شخصیت اصلی داستان (زهرا) به کار گرفته که در صورت نادیده گرفتن آن، نویسنده جملات آمرانه را به درستی بین شخصیت‌های زن و مرد توزیع نموده است. نمودار زیر توزیع جنسیتی جملات امری در *د* را نشان می‌دهد.

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی



امر تشدید:

- حاجی: ... اوضاع خطرناک است. خانه نمان. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۷)
- پاپا: نرید روی آردها... بیاید پایین (همان: ۳۱)

- پرستار: بگو مسئول سردخونه بیاد... (همان: ۷۸)
- دا: پاشو، پاشو برو حمام (همان: ۹۹)
- آقای پرویز پور: مشخصات شهدای گمنام رو توی این بنویسید و... (همان: ۱۰۹)
- مریم خانم: بگیرید بخوابید... (همان: ۱۳۵)
- حاج آقا نوری: خب شرایط اظطرار است. بدون غسل و کفن دفن کنید (همان: ۱۵۰)
- مریم خانم: فعلاً بشین... بعد برو (همان: ۲۱۹)
- ستوان: این گلوله رو بده به این خواهر (همان: ۳۱۸)
- دایی: بسه دیگه. بیشتر از این کاری نکنید... (همان: ۳۶۳)
- دکتر سعادت: زود باشید بجنبید. این رو برسونید بیمارستان (همان: ۴۷۴)
- زهرا: بسه دیگه بسه. هیچی نگو (همان: ۵۵۱)
- آقای محمدی: ... به هیچ وجه اسلحه را دست آن‌ها نده (همان: ۶۱۶)
- حبیب: اگر بوی میوه حس کردی، استنشاق نکن (همان: ۷۰۴)

امر تعدیلی:

- بابا: سعی کن اینجا نمازید (حسینی، ۱۳۸۰: ۲۶)
- زهرا: حالا شما ما رو ببرید. خدا بزرگه (همان: ۶۰۴)
- پاپا: ... نذار شیطون بره تو جلادت (همان: ۳)
- زهرا: اگه کاری دارین بگین براتون انجام بدم... (همان: ۷۶)
- زهرا: بابای قشنگم با من حرف بزن... (همان: ۲۰۲)

۲- **زبان مؤدبانه و عذرخواهی:** نقش‌های اجتماعی گوناگون، الگوهای رفتاری متفاوت و انتظارات اجتماعی مختلفی به وجود می‌آورد. رفتار زبانی، یکی از جنبه‌های رفتار اجتماعی انسان است و بنابراین تابع ملاک‌ها و اصول کلی آن است. به نظر زبان‌شناسان اجتماعی، از آنجا که در بیشتر جوامع، از زنان در مقایسه با مردان رفتار اجتماعی صحیح‌تر و مناسب‌تری انتظار می‌رود، رفتار زبانی آنان نیز نه تنها با مردان متفاوت است، بلکه به طور کلی از نظر اجتماعی از شکل‌های بهتر یا صحیح‌تری برخوردار است. (نوشین فر، ۱۳۸۱: ۱۸۶) عذرخواهی از جمله مواردی است که در بسیاری اوقات می‌توان آن را نشانه فرمان‌برداری و ضعف دانست، هرچند همیشه بدین گونه نیست و گاهی می‌تواند نشانه گذشت باشد. به هر حال زبان‌شناسان معتقدند این ویژگی در زبان زنان بارزتر است.

زبان مؤدبانه و عذرخواهی در د: به طور کلی آمار نشان می‌دهد که استفاده از جملات مؤدبانه در *رمان د* بسیار اندک است که این موضوع را تا حدودی می‌توان زایدۀ شرایط بحران و عدم وجود فرصت برای به کارگیری این گونه جملات دانست. اما نویسنده همین تعداد اندک را نیز به لحاظ جنسیتی به درستی استفاده کرده است. نمودار زیر نحوه توزیع این جملات را در بین شخصیت‌های زن و مرد داستان مشخص می‌کند.



- پیروش: خیلی ممنون که مواظب مامانم هستی (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۹)
- زهرا: آگه زحمتی نیس منم تا در خونه برسونید (همان: ۱۲۰)
- زهرا: خواهش می‌کنم شما حواستون بهش باشه (همان: ۲۱۷)
- سرباز آذری: شما ببخشید. دست خودم نبود (همان: ۳۶۴)
- زهرا: لطف کنید به آقای حبیب مزعلی بگویید من اینجا هستم (همان: ۶۶۰)

۳- **فرم سؤالی:** زبان‌شناسان وجه پرسشی را وجه تمایز زبان زنان از مردان دانسته‌اند. در وجه پرسشی گوینده/ نویسنده چیزی را از مخاطب می‌خواهد که در این مورد اطلاعات مطرح است و مخاطب در جایگاه ارائه دهنده اطلاعات قرار دارد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۲) استفاده زیاد از جملات سؤالی را می‌توان تاحدودی نشانه تردید و عدم قطعیت دانست. این موضوع به ویژه در مواردی مطرح است که قصد گوینده سؤال نیست و وی می‌تواند برای بیان منظور خود از جمله اخباری استفاده کند، اما فرم سؤالی را انتخاب می‌کند. بررسی‌ها نشان داده که زنان بیشتر از مردان در کلام خود از عبارات پرسشی استفاده می‌کنند. برخی افراد مانند لیکاف این موضوع را ناشی از عدم قطعیت و تزلزل در گفتار زنان می‌دانند. اگرچه هالیدی معتقد است ممکن است افراد درگیر در ارتباط برای انجام یک کنش کلامی از وجهی ناهمخوان با آن بهره گیرند، مثلاً از وجه پرسشی برای دادن فرمان استفاده کنند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۵۱)

فرم سؤالی در د/: تعداد جملات پرسشی در د/ کاملاً اثبات کننده این گفته پژوهشگران است که زنان به دلیل تردید در گفتار بیشتر از جملات پرسشی استفاده می‌کنند. هر چند گاه هدف گوینده از به کار بردن این نوع جملات به تأمل واداشتن مخاطب است. در نمودار زیر نتایج تفکیک جنسیتی جملات سؤالی رمان د/ قابل مشاهده است.



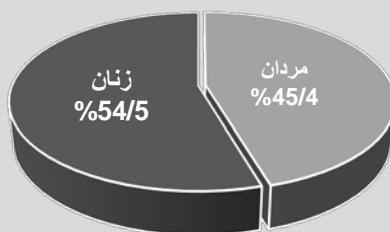
- دا: کسی که به این عالم رحم نکند، به ما رحم می‌کند؟ (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۳)
- زهرا: پس چی شد؟ چرا اینقدر ضعیفی؟ (همان: ۸۱)
- زهره فرهادی: چرا فکری به حال اینا نمی‌کنن؟ (همان: ۲۲۲)
- سرهنگ: تو از کجا می‌دونی وضع خطوط چه جوریه؟! (همان: ۴۳۶)
- حبیب: چرا به من گفتی بچه را سیلی بزمن؟ (همان: ۶۹۸)

۴- **ضرب‌المثل‌ها:** ضرب‌المثل‌ها بخشی از فرهنگ یک جامعه هستند که دانش، جهان بینی و نگرش عامی را در بین اعضای یک جامعه نشان می‌دهند. به کارگیری ضرب‌المثل‌ها در نثر نویسندگان می‌تواند به این دلیل باشد که نویسنده سخنان خود را کافی نمی‌داند و برای تأکید بر سخنانش آن‌ها را با نمونه‌هایی از این دانش مشترک و پذیرفته شده همگانی همراه می‌کند. (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۳۱۷) زنان نسبت به مردان در موضوعاتی عام‌تر از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات زبانی استفاده می‌کنند. به این معنی که زنان بیشتر از مردان و اغلب برای تأکید منظور خود از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده و مردان اغلب با اهدافی آموزشی و پندآموز از ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌کنند. (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۴۹-۴۴)

ضرب‌المثل‌ها در *د*: تعداد ضرب‌المثل‌های به کار رفته در رمان *د* بسیار اندک است و بیشتر ضرب‌المثل‌های به کار رفته در *د* را شخصیت‌های زن رمان بیان کرده‌اند که این از دید زبان‌شناسان علمی به نظر می‌رسد. چرا که محققان زبان‌شناسی اجتماعی معتقدند که زنان بیشتر و در موضوعاتی عام‌تر از مردان از ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌کنند. نمودار زیر بیانگر چگونگی توزیع جنسیتی ضرب‌المثل‌ها در رمان *د* است.



- دا: سرت تو هر دیگی پخته شده (حسینی، ۱۳۸۹: ۵۵)
 - زهرا: ... وگرنه خونش که از دیگران رنگین تر نیست (همان: ۷۱۴)
 - آقای ابراهیمی: انگار دیوار من از همه کوتاه‌تره... (همان: ۱۴۲)
 - پیرمرد خرمشهری: ما پیر شدیم. آفتاب عمرمون لب بومه (همان: ۳۱۴)
 - زهرا: جواب ابلهان خاموشی است (همان: ۵۹۹)
- ۵- **تعبیر عامیانه:** زبان‌شناسان اجتماعی معتقدند زنان به خاطر موقعیت اجتماعی پایین‌تر خود در جامعه، بیشتر از شکل‌های صحیح‌تر زبان استفاده می‌کنند. اما مردان به دنبال ساخت واژه‌های جدید و خارج از زبان معیار هستند.
- تعبیر عامیانه در د/:** بر خلاف نتایج پژوهش‌های گذشته در این رمان استفاده زنان از تعبیر عامیانه بیشتر بوده است. نمودار زیر این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. البته این نکته را نیز باید در نظر گرفت که رمان *د* بیانگر زندگی واقعی مردمی از قشر عادی جامعه است و طبعاً استفاده از این تعبیر در این گونه بافت‌های اجتماعی نمود بیشتری دارد.



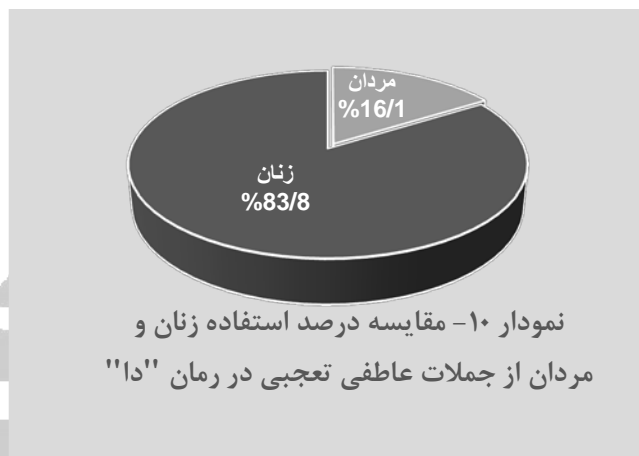
نمودار ۹- مقایسه درصد استفاده زنان و مردان از تعبیر عامیانه در رمان "د"

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

- بابا: نمیتونی خودت رو جمع و جور کنی (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۵)
 - دا: یه چیزی می‌گی، جگرم داره می‌سوزه (همان: ۷۸)
 - زهرا: آخه خطر بیخ گوشتونه. این طور مردن گناهه (همان: ۳۱۴)
 - غساله: الهی سفید بخت بشین (همان: ۱۰۱)
 - آقای ابراهیمی: خدا به دادمون برسه. باز این طوفان اومد گرد و خاک به پا کنه (همان: ۱۶۳)
 - زینب خانم: چشمت روشن. خدا رو شکر... (همان: ۲۹۲)
 - رزمنده: ما نمی‌تونیم دست رو دست بذاریم شهر از دست بره... (همان: ۳۰۹)
- ۶- **جملات عاطفی تعجبی:** در مقابل خشونت واژگانی که ویژگی رفتار زبانی مردان در نظر گرفته می‌شود، زنان تمایلی به کاربرد اصطلاحات و عبارات تعجبی و ندایی خاص دارند که از ویژگی‌های شاخص رفتاری آنان محسوب می‌شود. (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۹) جملات و عبارات عاطفی تعجبی را به دو گروه مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند: گروه اول آن‌هایی هستند که با جنس مؤنث گویشور و ویژگی‌های بیولوژیکی او مرتبطند؛ مثل «شیرمو حلالت نمی‌کنم». گروه دوم

اصطلاحاتی هستند که با جنس مؤنث گویشور ارتباطی ندارند. (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۴۱۳) همچنین انواع تحسین، ابراز محبت و ... را می‌توان در شمار این جملات به حساب آورد.

جملات عاطفی تعجبی در د/ : همانطور که نمودار زیر نشان می‌دهد، نتایج حاصل از بررسی این جملات در رمان دا نشان داد که زنان در مقایسه با مردان از جملات عاطفی تعجبی بیشتری در کلام خود بهره می‌گیرند.



- پیرزن عزادار: وای جگر گوشه به دست کافر کشته شده‌ام (حسینی، ۱۳۸۹: ۹۲)
- زینب خانم: الهی بمیرم مادر؛ تو اصلاً نخواستی (همان: ۱۳۹)
- زهرا: چه آدم باظرفیتی. چه قدر طاقت داره (همان: ۱۷۰)
- زینب خانم: دلم داره پر می‌کشه برای دخترم مریم (همان: ۲۵۷)
- زهرا: آره. ولی چطور شده بیمارستان تحویل نداده؟ عجیبه! (همان: ۳۲۰)

۷- پرسش‌های ضمیمه‌ای: پرسش‌های ضمیمه‌ای عباراتی کوتاه در پایان جمله‌های خبری هستند که آن را سؤالی می‌کنند، مانند «این طور نیست؟»، «مگر نه؟» و... (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۵۸) زبان‌شناسان پرسش‌های ضمیمه‌ای را از کلیشه‌های زبانی زنان می‌دانند. لیکاف معتقد است در حوزهٔ نحو، کاربرد سؤالات ضمیمه بیشتر در زنان متداول است و از خصوصیات زبان زنانه به شمار می‌آید و زمانی سؤالات ضمیمه مورد استفاده قرار می‌گیرد که شخص به صحت و سقم آنچه می‌گوید اطمینان نداشته باشد یا به خاطر تردید و عدم قطعیت در لفافه سخن گوید. (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

پرسش‌های ضمیمه‌ای در دا : تعداد پرسش‌های ضمیمه‌ای موجود در رمان دا بسیار اندک است. اما بیشتر همین تعداد پرسش ضمیمه‌ای را نیز زنان به کار برده‌اند. نمودار زیر نتایج حاصل را نشان می‌دهد.



- زهرا: پس گفتید می‌تونم برم دیگه. نه؟ (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۸)
- دا: هیچی. چه خبرا؟ (همان: ۱۲۱)
- عبدالله: ببین خویه، این یکی خیلی داغون بود. تو می‌گی نبود؟ (همان: ۲۷۵)
- زهرا: با احتیاط و یواش بلندش کنیم. باشه؟ (همان: ۲۸۱)
- لیلا: علی خودمونه. مگه نه؟ (همان: ۳۵۹)
- لیلا: علی خودمونه. مگه نه؟ (همان: ۳۵۹)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نتیجه‌گیری

بررسی‌هایی انجام شده بر روی مکالماترمان دا نشان می‌دهد:

- ❖ نویسندگان از میان ویژگی‌های واژگانی در دو مورد (دشوآژه‌ها و سوگندواژه‌ها) کاملاً برخلاف گفته‌های زبان‌شناسان عمل کرده است. هر دوی این فاکتورها از مواردی هستند که زبان‌شناسان معتقدند زنان کمتر از آنها استفاده می‌کنند، در حالی که آمار به دست آمده از این رمان نشان می‌دهد که زنان هر دو مورد و به ویژه سوگندواژه‌ها را بسیار بیشتر از مردان مورد استفاده قرار داده‌اند. جالب اینکه فرهنگ اسلامی مردمی که داستان در میان آنها رخ داده است باعث شده تا هیچ دشوآژه‌ریکی در این رمان مشاهده نشود و نیز سوگندواژه‌ها به جز یک مورد مقدّسات دینی را شامل شود. اما در دو مورد دیگر از ویژگی‌های محور واژگان (تعديل کننده‌ها و تشدیدکننده‌ها) آمار استخراج شده از این رمان کاملاً با گفته‌های محققین زبان‌شناسی هم‌خوانی دارد؛ چرا که این شخصیت‌های زن هستند که به میزان بیشتری این نوع واژه‌ها را به کار برده‌اند و این همان چیزی است که زبان‌شناسان مطرح می‌کنند.
- ❖ از منظر به کارگیری ویژگی‌های نحوی که از لحاظ جنسیتی مطرح هستند، نویسندگان تا حدود زیادی زبانی منطبق با گفته‌های زبان‌شناسان را به کار گرفته است. و تنها در دو مورد این ویژگی‌ها را به درستی به کار نبرده است. مورد اول جملات آمرانه است که درصد بیشتری از آن به شخصیت‌های زن تعلق دارد که شاید به واسطه حضور پررنگ زهرا به عنوان یک زن در رمان و شرایط بحرانی و پرمسئولیتی که در آن قرار دارد تا حدودی قابل توجیه باشد. همین شرایط بحرانی باعث شده تا اکثر جملات امری در میان هر دو جنس از نوع امر

تشدید می‌باشند. مورد دوم نیز به استفاده بیشتر زنان از تعابیر عامیانه برمی‌گردد که با نظر زبان‌شناسان انطباق ندارد.

- ❖ تأثیرات ناشی از شرایط ادبیات مقاومت (دفاع مقدس) بر دیالوگ شخصیت‌های زن و مرد رمان «دا» عبارتند از:
 - افزایش میزان استفاده از جملات آمرانه به ویژه در میان شخصیت‌های زن که آن را می‌توان ناشی از شرایط بحران دانست.
 - کاهش میزان استفاده از عذرخواهی و نیز جملات عاطفی تعجبی به علت نبود زمان کافی برای استفاده از این نوع جملات.
 - کاهش میزان استفاده از دشواژه‌ها به ویژه دشواژه‌های رکیک که نشان از پابندی به اعتقادات مذهبی دارد.
 - افزایش میزان استفاده از سوگند به مقدسات دینی که به فرهنگ دینی مردمی بر می‌گردد که داستان رمان در میان آن‌ها شکل گرفته است.

منابع و مأخذ:

- آبوت، پاملا و والاس، کلر. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه‌منیژه نجم عراقی. تهران. نشر نی.
- ارباب، سپیده. (۱۳۹۱). بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه. *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. دوره دوم. شماره چهارم. ۱۰۷-۲۰۴.
- امیری خراسانی، احمد و هدایتی، فاطمه. (۱۳۹۳). ادبیات پایداری؛ تعاریف و حدود. *نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان*. سال ششم. شماره دهم. ۴۲-۲۳.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم. (۱۳۸۱). *فردستی و فرودستی در زبان*. تهران. گام نو.
- پاینده، حسین. (۱۳۷۶). *نقد فمینیستی بر رویای یک ساعته*. *مجله ادبیات داستانی*. شماره چهل و چهارم. ۱۲۴-۱۲۲.
- ترادگیل، پیترو. (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران. نشر آگه.
- جان نژاد، محسن. (۱۳۸۰). *زبان و جنسیت؛ تفاوت میان گویشوران زن و مرد ایرانی در تعامل مکالمه‌ای*. رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- حسینی، سیده اعظم. (۱۳۸۹). *دا (خاطرات سیده زهرا حسینی)*. تهران. سوره مهر.
- رضوانیان، قدسیه و ملک، سروناز. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر جنسیت بر زبان زنان شاعر معاصر. *مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز*. سال پنجم. شماره سوم. ۷۰-۴۵.
- ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). *جنش حقوق زنان در ایران*. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران. اختران.
- سلیمانی، بلقیس. (۱۳۸۰). *تفنگ و ترازو (نقد و تحلیل رمان جنگ)*. تهران. روزگار.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کاظمی، فروغ. (۱۳۸۹). *زبان زنان*. فصلنامه پازند. سال هفتم. شماره بیست و پنجم. ۱۱۵-۱۰۱.
- فیاض، ابراهیم و رهبری، زهره. (۱۳۸۵). *صدای زنانه در ادبیات معاصر*. *مجله زن در توسعه و سیاست*. شماره شانزدهم. ۵۰-۲۳.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۸). *جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی*. تهران. گل آذین.

- محمودی بختیاری، بهروز و دهقانی، مریم. (۱۳۹۲). رابطه‌ی زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی (بررسی شش رمان). نشریه‌ی زن در فرهنگ و هنر. دوره‌ی پنجم. شماره‌ی چهارم. ۵۴۳-۵۵۶
- مدرّسی، یحیی (۱۳۶۱). جامعه‌شناسی زبان. تهران. آگاه
- مروی، بهزاد. (۱۳۹۱). مقایسه‌ی زبان زنانه و مردانه در رمان‌های شوهرآهوخانم (علی‌محمدافغانی) و شبهای تهران (غزاله‌علیزاده). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- مهاجر، مهران و نبوی، محمّد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر. تهران. مرکز
- نجفی عرب، ملاحظ. (۱۳۹۴). زبان و جنسیت در رمان. ویراستار یدالله بهمنی مطلق. تهران. علم و دانش
- نعمتی، آزاده. (۱۳۸۲). تحلیلی بر تفاوت‌های زبانی زنان و مردان (تحقیقی در جامعه‌شناسی زبان). مجله‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی سمنان. شماره‌ی پیوسته‌ی پنجم. ۷۳-۹۲
- نوشین فر، ویدا. (۱۳۸۱). زبان و جنسیت. مجله‌ی ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند). شماره‌ی دوم. ۱۸۱-۱۸۸



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir